

تاریخی ناشناس ماندهٔ فارس مانند سایر نقاط ایران نیازمند کوششها و اقدامات فراوان و دامنه‌دار می‌باشد.

در پایان این مطالب پراکنده مناسب می‌داند دربارهٔ درخت سرو بسیار کهن سال و بلندی که نزدیک شهر فسا وجود دارد نیز مختصر اطلاعاتی نقل نماید:

سرو کهن سال مزبور بمناسبت مجاورت آن به آبادی دریمی بنام سرو دریمی خوانده می‌شود و از قرار مذکور مورد اعتقاد پارسیان بوده قطر دایرهٔ پائین آن بیش از دو متر و بلندی آن در حدود بیست و هشت متر است (۱) و عکس این درخت سرو تاریخی مانند بسیاری عکسهای دیگر که در این کتاب مندرج می‌باشد چندی قبل از طرف دوست گرامی آقای منوچهر چهره‌نگار جهت نگارنده فرستاده شد که در شکل ۲۴۱ بنظر علاقمندان محترم می‌رسد.

۲۹- اطلاعاتی دربارهٔ زیارتگاهها و اماکن متبرک بوشهر

و آثار ریشهر و جزیرهٔ خارک

در فصل ششم متن کتاب (صفحات ۱۴۱ تا ۱۴۷) دربارهٔ موقعیت بوشهر و اهمیت تاریخی ویرانه‌های ریشهر قدیم و پیشینه‌های جزیرهٔ خارک و آثار باستانی آن اطلاعاتی که تحصیل گشته و مناسب بنظر آمده بود مذکور افتاد و از آن پس بعضی اطلاعات دیگر و عکسهای بوساطت مختلف دربارهٔ محل‌های مزبور بدست آمد که برای تکمیل مطالب قبلی مورد افاده بنظر رسید و بدین لحاظ قسمت‌هایی از آنها را که مناسب این مورد میداند ذکر مینماید.

آقای سید حسین ریشهری از عناصر مطلع و علاقه‌مند فارس که طبق آنچه از نامشان هم برمی‌آید اصلاً اهل ریشهر کنونی (آبادی نزدیک ویرانه‌های ریشهر قدیم و از توابع بوشهر) هستند ضمن ارسال نامه‌ای بضمیمهٔ چند عکس دربارهٔ ریشهر و بوشهر چنین می‌نویسند:

«.... و اما تاریخچهٔ قلعه (۲) و بنای آن و زمان خرابی آن زمان معینی در

تاریخ دیده نشده و آنچه مسلم است این قلعه همانطوریکه استحضار دارند در زمان ایلامیها ساخته شده و تا زمان عرب معمور بوده است و شدت آبادانی آن در زمان اردشیر

(۱) کتاب آثار عجم - ص ۸۵

(۲) مقصود قلعه ریشهر است.

بوده که بنام ریو اردشیر^(۱) معروف گردیده که گویا معنی فارسی آن (شهر اردشیر) باشد.... خوب بخاطر دارم اوایل تشکیل فرهنگستان در سالنامه پارس بقلم آقای امیرجاهد که برای تعویض اسامی بعضی شهرها از قبیل محمّره به خرمشهر و ناصری به اهواز و گچ کر غلی به گچساران و غیره تاریخچه تاسیس شهرها را می نوشتند همین ریشهر را باستناد تاریخهای دیگر ریو اردشیر نام میبرد و طبق همان مدارک تاریخی معتقد بودند که این نام را خود اردشیر به این شهر گذاشته است و امامزاده فعلی بموجب نوشته کتاب ترجمه از هاروالانظار بقلم شیخ محمد علی آل عصفور شاهزاده عبدالمهیمن که مزارش در آبادی امامزاده است از اولاد حضرت عباس ابن علی علیه السلام میباشد ولی در آن کتیبه ای که تاریخ شهادت یا رحلت و علت آن مشخص باشد وجود ندارد و از این جهت ممکن نشد عکسی از کتیبه تهیه گردد - چون قسمت عمده خرابی ریشهر و قلعه آن در زمان اعراب صورت گرفته است دور نیست شهادت یا رحلت امامزاده عبدالمهیمن همزمان با آن اوان باشد از طرفی خرابی قلعه و شهر ریشهر پس از سقوط آپادانا (یقیناً مقصود آقای ریشهری از این کلمه همان آثار تخت جمشید است که آپادانا قسمتی از آن باشد) و بازار گاد شروع گردیده و در زمان عرب از بین برده شده است و بعداً در کنار ساحل شمالی دماغه شبه جزیره اعراب سکنی نموده و شهری بنام ابوشهز بنا نهادند و از آنجا بساحل عربستان ارتباط دریائی وسیله کشتی بادبانی برقرار ساختند....»

آقای ریشهری دو قطعه عکس از بقایای آثار ریشهر و عکسی هم از بقعه امامزاده عبدالمهیمن همراه نامه خود فرستاده اند که در تصاویر ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۶ بنظر خوانندگان گرام میرسد ضمناً در دیماه ۱۳۴۰ که تیمسار سپهبد آقاولی بمسافرت جنوب عزیمت و چند روزی هم در بوشهر توقف فرمودند دستور سرکشی و بازدید آثار ریشهر را یکی از همراهان خودشان صادر نمودند و در نتیجه این بازدید چند عکس از آثار مزبور در اختیار اینجانب قرار گرفت که یکی از آنها در تصویر شماره ۲۴۴ دیده می شود و همچنین يك قطعه آجر دارای نبشته عیلامی با قطعه سفال سیاهی از همان عهد را که بر روی خاك افتاده بود همراه خود بطهران آوردند که پس از شست و شوی آجر و مرمت آن

(۱) اینجانب نام ریشهر را در زمان اردشیر در صفحه ۱۴۱ متن کتاب رام اردشیر ذکر نموده ام ولی آقای سید حسین ریشهری در نامه فوق الذکر نوشته اند که « فکر میکنم ریو اردشیر صحیح تر باشد » و در سطور بعدی نامه ایشان هم در این باره توضیحات مفیدی هست که عیناً نقل می گردد .

عکس برداری گردید و در تصویر شماره ۲۴۵ نموده گردیده است - یقین دارد آجر مزبور از نوع همان آجرهای نبشته بنام شوتروک ناخونته (۱) است که توضیح مربوط به آن در صفحه ۱۴۲ متن کتاب مذکور افتاد .

دوست ارجمندم آقای منوچهر چهره نگار هم که در طول مدت چاپ کتاب حاضر چند بار ضمن مسافرت‌هایشان بنقاط مختلف فارس هر گونه توانسته اند عکسهائی از آثار تاریخی و متبرک و ابنیه مذهبی اینگونه نقاط را برای اینجانب تهیه و ارسال نموده اند در مرداد ماه ۱۳۴۰ چند روزی را در بوشهر گذراندند و با وجود گرمای جانفرسای آن موقع سال در محل مزبور عکسهائی از زیارتگاهها و مساجد آنجا برداشته جهت اینجانب فرستاده اند که در قسمت تصاویر ذیل کتاب بشرح آتی مندرج می باشد :

بقعه خواجه خضر در محله زیر طاق نزدیک انبار غله که مورد اعتقاد مردم بوده شبهای جمعه مخصوصاً بانوان بوشهر در آنجا رفته بزیارت و افروختن شمع و اینگونه مراسم میپردازند و بطوریکه از عکسهای آن بر میآید (ش ۲۴۷ و ۲۴۸) اثر تاریخی یا هنری قابل توجهی در آن دیده نمیشود .

امامزاده آقا کوچیکا که بین تلفن خانه و ساختمان جدید شیر و خورشید سرخ واقع بوده مقبره یکی از بزرگان دین است (ش ۲۴۹) مردم ویران از اولیاء الله میدانند و مورد اعتقاد عموم بوده شبهای جمعه مخصوصاً بانوان در آنجا نماز میگذارند و زیارت میخوانند و شمع میافروزند .

قدمگاه حضرت علی (ع) که نزدیک بانده فرودگاه بوشهر واقع بوده بواسطه اعتقاد مردم بآنجا کار ادامه بانده فرودگاه و تکمیل آن دچار تأخیر شده است و شبهای جمعه عده ای برای عبادت و ذکر در آنجا جمع میشوند و شمع میافروزند (ش ۲۵۰) .

قدمگاه ابوالفضل که مشهور به عباس علی است (ش ۲۵۱) و شبهای جمعه و قتل و ایام تعزیه داری محل اجتماع و انجام مراسم سوگواری و افروختن شمع میباشد . مسجد شیخ سعدون معروف به مسجد شاه و مسجد کوفی در محله شاه آباد (ش ۲۵۲) که غالباً مراسم سینه زنی و تعزیه داریهای بزرگ در آنجا صورت میگیرد و بانی اولیه آن شخصی بنام شیخ سعد از اهالی عربستان بوده که بنام وی باقی مانده است .

مسجد جمعه (ش ۲۵۳) که آقای عدنانی امام جماعت آن هستند و روزهای جمعه در آنجا باقامه نماز میپردازند .

مسجد جماعت مربوط باهل تسنن که مرتباً در آنجا نماز میخوانند و مقبره خانوادگی متولی بزرگ بنام شیخ عبدالوهاب نیز در آنجا واقعست (ش ۲۵۴).

مسجد فیلی که بانی آن یکنفر هندی بوده در این محل فیلی داشته نمایشگاهی میداده است و بعداً در اینجا مسجدی بنا کرده بنام مسجد فیلی معروف گردیده است (ش ۲۵۵ و ۲۵۶) از قراریکه میگویند آب آن فقط وقف برای نوشیدن است و حتی وضوء گرفتن در آنرا منع نموده اند که آب آشامیدنی تمیز باشد .

مسجد شنیدی یا مسجد نو که تولیت آن با آقای محمد ابراهیم (مذنب) بوده مربوط به کازرونیان است و در محل شنیدیها قرار دارد و بطوریکه در عکس آن دیده میشود (ش ۲۵۷) دارای تزیینات و کتیبه های کاشی چندی میباشد .

ضمناً بطوریکه در صفحه ۷۲ متن کتاب (قسمت ذیل صفحه مزبور) اشاره شد در بوشهر کلیسائی هم وجود دارد که بنام کلیسای ظهور مسیح خوانده میشود و نمونه خوبی از صنعت معماری ایران است خوشبختانه از طرف عالیجناب آقای شارپ (که در قسمت ذیل صفحه ۷۲ متن کتاب اشاره مختصری به مقام روحانی و دانش باستان شناسی ایشان گردید) عکسی از کلیسای مزبور برای نگارنده کتاب فرستاده شد که در تصویر شماره ۲۵۸ بنظر خوانندگان ارجمند میرسد .

آقای عباسعلی سلحشور از دوستان و همکاران بسیار صافی ضمیر دوران بازنشستگی نگارنده که آشنائی زیاد بوضع بوشهر و حول و حوش آن دارند و خود از مردم آن سامان هستند اطلاعات مفید و مختصری درباره آثار و آبادیهای شبه جزیره بوشهر باینجانب اظهار داشتند که بشرح زیر نقل مینماید :

در مشرق شبه جزیره بوشهر به مسافت چند کیلومتری شرقی ویرانه های ریشهر آبادی معروف امامزاده (که بمناسبت وجود بقعه شاهزاده عبدالمیمن بدینگونه نامیده شده است) و آبادی دیگری بنام سبزآباد وجود دارد و نیز ویرانه های دیگری بنام قل پی تل (بهضم هر دو حرف تا که معنی تپه پائین تپه میدهد) نزدیک

سبز آباد و در برزخ بین شبه جزیره بوشهر و کرانه خلیج فارس موجود است - در افواه مردم چنین شهرت دارد که راهرو زیر زمینی بسیار عریضی در ازمنه قدیم ویرانه‌های ریشهر را با تل پی تل مربوط میساخته است و در سالهای پیشین هنگام احداث راه بین بوشهر و سبز آباد به آثار راهرو زیر زمینی مزبور که منتسب بعهد اردشیر بابکان میباشد برخوردند.

آبادیهای بهمنی و دستک و دواس و روننی و سرتل و چند آبادی دیگر نیز به مسافتهای کم یا زیاد در شمال و مشرق و جنوب شرقی ویرانه‌های ریشهر یعنی در داخل شبه جزیره بوشهر قرار دارد و ویرانه‌های باستانی بنام شاه نشین نیز بین آبادیهای ریشهر و روننی واقعست که آثار قلعه آن هنوز باقی و دیدار مبر باشد و رویهمرفته با مختصر توجه میتوان بخوبی پی برد که تمام شبه جزیره بوشهر بدلیل استعداد و موقعیت طبیعی از قدیمترین ازمنه تا دوران حاضر شاستگی و ظرفیت همه گونه آبادانی را بطور فراوان داشته و دارد.

طبق یادداشتی که از روی اسناد موجود در کتابخانه دفتر راهبردها و مهندسی و نقشه کشی گردیده و سحبه‌های متعددی از روی آن عکس برداری گشته سجدهای هم باطاب دوست داشتمندم جناب آقای دانش نویخت با اختیار انجناب گذارده شده است از راه روئنه ۱۸۳۸ - ۱۸۵۲ میلادی (مطابق با ۱۲۵۳ تا ۱۲۵۷ هجری قمری که مصادف با حکم ایران در ۱۳۰۳ هجری قمری) ناشی از آن در بوشهر و جزیره خارک بوده است) از طرف که پای هند شرقی است و در آن قابل ذکر جزیره خارک اعزام و در آنجا مستقر گردیده بود و تعداد ۶۵ نفر از آنجا در ۱۳۰۳ و سرنمازان انگلیسی از بیروی مر بود در طول قریب چهار سال اقامتشان در آن جزیره موجوده است و کورستانی در آنجا از این در گذشتگان که سینه عمرشان از ۳۷ تا ۵۹ سال بوده موجود است و چون تفصیل این موضوع با هدف کتاب حاضر ارتباطی ندارد توضیح در این مورد نمیآید و تنها اشاره باین واقعه را از احاطه آنچه در جزیره خارک گشته بوده است باین حد

۳۰- توضیحات هر یک از یادگاریها و آثار تاریخی و ادبی

و در نظر از نقاط مختلف آن استان

در مدتی که چاپ کتاب اجاء میگردد حاشیه‌های محتامی شده که در دسترس بوده است به وسیله برخی شخصیت‌های علاقه‌مند ناختمند و بسنده کتاب گذارده شد و توسط بعضی از باذوق فراهم آمده بود و در دسترس قرار گرفت و چند عکس نیز از بعضی از مسافرتها و مأموریت‌های مختلف در آن رس گردآوری موجوده و منسب درج در آخر این قسمت

ذیل کتاب بنظر رسید و اینک بشرحی که از نظر خوانندگان محترم در تصاویر شماره‌های ۲۵۹ تا ۲۸۱ میگذرد بمعرفی این عکسها میپردازد :

ش ۲۵۹- منظری از ضلع جنوبی قلعه‌ایزدخواست (صفحه ۱- متن کتاب) که تنه‌اراه ورود بدرون قلعه را از روی پل چوبی بخوبی مینماید و در هنگام لزوم ممکن بود پل را بردارند و بدین طریق ورود بقلعه را غیر ممکن سازند .

ش ۲۶۰- ستون و ته ستونها و بدنه سنگی عهد هخامنشی که بر فراز ویرانه‌های استخر (تخت طاووس) باقی مانده و در صفحه ۲۱ متن کتاب اشاره بآن گردیده است .

ش ۲۶۱- منظر گوشه جنوب غربی ارگ شیراز که برجهای آجری و قسمتی از دیوار آن نمودار است و حوض و قواره‌های میدان جدید الاحداث مقابل عمارت شهرداری در جلو این قسمت از ارگ کریمخانی (صفحه ۵۸ متن کتاب) دیده میشود .

ش ۲۶۲ و ۲۶۳- نقوش برجسته عهد فتحعلیشاه قاجار که بر اثر ویران شدن کاخ آینه یا کاخ خورشید بجا مانده (صفحه ۵۹ متن کتاب) در محوطه باغ موزه پارس بصورت موقتی نصب گردیده بود بعداً در دیوار خارجی ایوان ورودی ساختمان جدید اداره فرهنگ فارس در گوشه شمال غربی همان باغ بوضع مناسب و شایسته تری نصب و بمعرض دیدار علاقه‌مندان گذارده شده است .

ش ۲۶۴- بنای قدیمی که اکنون محل مهمانخانه بارک سعدی بوده در صفحه ۷۵ متن کتاب توضیح آن داده شده است .

ش ۲۶۵- عمارت قدیمی و منظری از باغ ارم که توضیح آن در صفحات ۷۵ و ۷۶ متن کتاب ذکر گردیده و تصویر سرو معروف آن نیز در شکل ۱۶۲ نموده شده است .

ش ۲۶۶- تصویری از کلیسای تجلیل مسیح در قلات که در ذیل صفحه ۷۲ متن کتاب درباره آن توضیح داده شده است .

ش ۲۶۷- بقعه امامزاده محمد در فسا که طرحی موزون و گنبد بلند

وجالب توجهی دارد .

ش ۲۶۸- بقعه امامزاده حسن در فسا که ایوان و سقف و در ورودی و ضریح آن پدیدار بوده تمامی آنها تازه و جدید است .

ش ۲۶۹- منظره‌ای از خیابان شاهرضا در فسا .

ش ۲۷۰- منظری از باغستانهای اطراف فسا که بیشتر درختان آنها درخت خرما و لیموشیرین و پرتقال است .

ش ۲۷۱- آتشکده کازرون که شرح آن در صفحه ۱۱۱ متن کتاب ذکر گردیده است .

ش ۲۷۲- منظر خارجی آتشکده بیشاپور (که در صفحه ۱۲۲ متن کتاب معرفی شده است) پس از تعمیراتی که از طرف اداره باستانشناسی فارس در سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ شمسی در آن انجام گرفته بود ، بطوریکه دیده میشود با سنگهای تراش که مصالح اولیه اصلی آتشکده مزبور است و ضمن خاکبرداریهای علمی آنجا بدست آورده بودند قسمتهائی از دیوار بنای آتشکده را بصورت اصلی آن تجدید و مستحکم ساخته‌اند ، این عکس در اسفندماه ۱۳۳۹ که نویسنده کتاب توفیق دیدار مجدد کوتاهی را از ویرانه‌های بیشاپور بدست آورده بود گرفته شده است .

ش ۲۷۳ و ۲۷۴- نقوش موزائیک عهد ساسانی مکشوف در حیاط پشت تالار بزرگ کاخ شاپور اول در بیشاپور که توضیح آن در صفحات ۱۲۲ و ۱۲۳ متن کتاب ذکر گردیده است و اکنون در غرفه عهد ساسانی در موزه ایران باستان قرار دارد .

ش ۲۷۵- نقش بیروزی بهرامدوّم بر بادیدنشینان عرب که در تنگ چوگان حجاری شده توضیح مربوط بآن در صفحات ۱۲۶ و ۱۲۷ متن کتاب ذکر گردیده است .

ش ۲۷۶- نقش برجسته بهرام دوم در صحنه ۵۰ کور در شد ۲۷۵ .

ش ۲۷۷- نقش برجسته بهرام اول که شعار پادشاهی را 'زمظهر اهورامزدا'

میگیرد و توضیح آن در صفحه ۱۲۷ متن کتاب ذکر گردیده تصویری هم از آن با فاصله بیشتر در شکل ۱۹۰ نموده شده است .

ش ۲۷۸- عکسی از چادر بزرگ و زندگانی صحرائشینی آقای زیادخان دره شوری که در روز سه شنبه ۱۴ آبان ماه ۱۳۳۰ هنگام مسافرت نویسنده کتاب (بنمایندگی از طرف هنرهای زیبای کشور) بهمراهی هیئت فیلمبرداری دانشگاه سیرا کیوز در تنگ چوگان در جانب راست رود شاپور محاذی غار شاپور گرفته شده است .

ش ۲۷۹- رقص محلی مردانی که نموداری از چگونگی نبرد با شمشیر و سپر را بوسیله دو عدد چوب نمایش میدهند در نورآباد ممسنی و اجتماع عده‌ای برای تماشای آن در حالی که نوازندگان نای و دهل بر بالای بام خانه در کنار محوطه آهنگ چنین رقص رزمی را مینوازند - این عکس نیز در مسافرت نویسنده کتاب (بنمایندگی از طرف هنرهای زیبای کشور) بهمراهی هیئت فیلمبرداری دانشگاه سیرا کیوز هنگام مسافرت از فارس بخوزستان در تاریخ پنجشنبه ۱۶ آبان ۱۳۳۰ در نورآباد برداشته شده است .

شکل ۲۸۰- نگارنده کتاب را در روز ۲۸ شهریور ماه ۱۳۱۲ هنگام پیدایش جمعه‌الواح محتوی زر و سیم بنام داربوش اول در گوشه جنوب شرقی تالار بزرگ مرکزی کاخ ایدانه تخت جمشید که پس از گذشت ۱۴۵۰ سال از تاریخ نهادن این اسناد تاریخی شاهنشاهی داریوش در محل مزبور نمایان گردید نشان میدهد - نویسنده کتاب در آن هنگام به سمت نمایندگی باستان شناسی در تخت جمشید با هیئت علمی آنجا که بر باست مرحوم پرفسور هرتسفلد و از طرف بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو به خاکبرداریهای علمی اشتغال داشت همکاری و انجام وظیفه مینمودم و ارائه عکس مزبور از لحاظ پیدایش چنین اسناد ملی بس گرانها و در عین حال خاطره بس دلنشینی که بدین ترتیب در روزگار جوانی دست داده است مناسب بنظر رسید - شخصی که در طرف راست عکس دیده میشود آقای مهندس فردریک کرفتر (F. Krefter) مهندس معمار و معاون هیئت علمی تخت جمشید

بود که طبق نظر و احتمال وی مبنی بر پیدایش اسناد نبشته آجری یا سنگی به الواح نبشته زر و سیم دست یافتند.

شکل ۲۸۱- آخرین عکسی که در این قسمت ارائه میگردد و آخرین تصویر مندرج در ذیل کتاب خواهد بود عکسی است که نگارنده کتاب را در روز پنجشنبه چهاردهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۹ نشان میدهد که با استفاده از موقع و فرصتی که فراهم آمد و با کمک ذیقیمت آقای علی سامی رئیس وقت بنگاه علمی تخت جمشید توانستم نقوش برجسته ملل تابعه شاهنشاهی هخامنشی را بر بالای دخمه اردشیر سوم در تخت جمشید از نزدیک ملاحظه و بررسی نمایم و نبشته‌های میخی پارسی باستانی را که بر بالای هر یک از نقوش نقر گردیده است (بصفحه ۳۱ متن کتاب مراجعه شود) استنساخ کرده با تطبیق نام هر یک از ملل و مقایسه نقش آن ملت با نقوش پلکانهای شرقی کاخ آپادانا تا حدی در شناسائی ملل مزبور توفیقی بیش از آنچه از گفته‌ها و نوشته‌های دانشمندان خارجی بر می‌آمد بدست آورم، کرانه خارجی منجنیق چوبی کوتاه نزدیک لبه پرتگاه عمودی است که به محوطه مقابل در ورودی دخمه اردشیر سوم منتهی میگردد.

پایان مطالب ذیل کتاب

عکسهای مربوط به قسمت ذیل کتاب (اشکال ۴۰۴ تا ۴۸۱) از صفحه بعد آغاز میگردد و پس از خاتمه آنها اطلاعات تکمیلی مفیدی در قسمت ضمیمه مندرج است

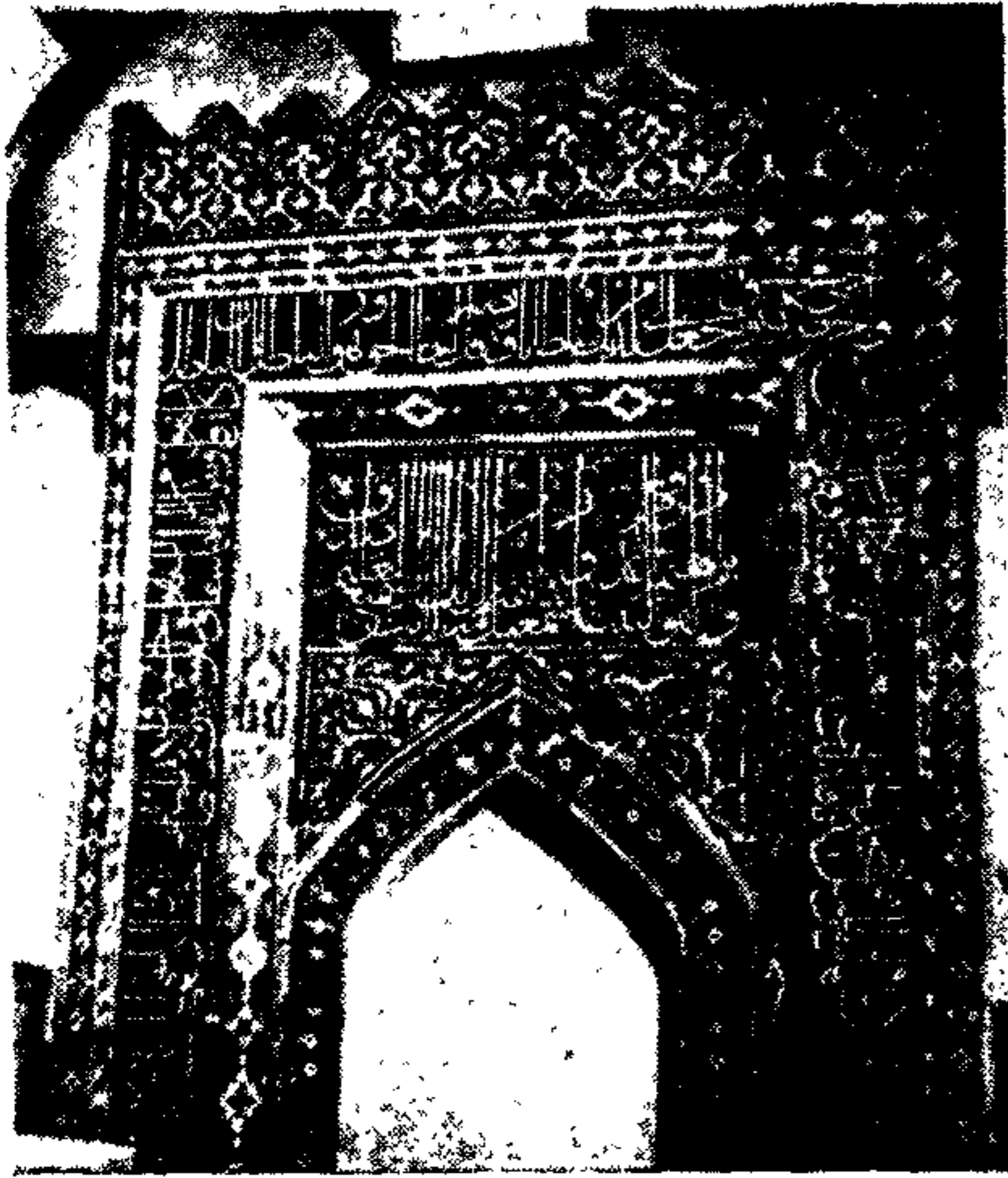


ش- ۲۰۴ منظر هوایی محل دژ استحکاماتی پاسارگاد (نقل از صفحه ۹ کتاب
تخت جمشید - جلد اول - تألیف دکتر اشمیتز) - مربوط به صفحه ۳۳۱

Fig 204 - Pasargade, Vue aérienne de la forteresse

Fig 204 - Aerial view of the fortified area at Pasargadae

(Persepolis, Dr. E. Shmidt. TOME I, p. 9)



ش ۲۰۷ - Fig 207

ش ۲۰۷ - محراب کاشی معرق بقعه خلیفه (خفر) در موزه پارس
(شیراز) متعلق بقرن ۱۵ هجری - مربوط به صفحات

۳۵۷ - ۳۶۰

Fig 207 - Mihrab en mosaïques de briques émaillés du mausolée Khalifé à Khafr, 15 ème siècle (actuellement au Musée de Shiraz)

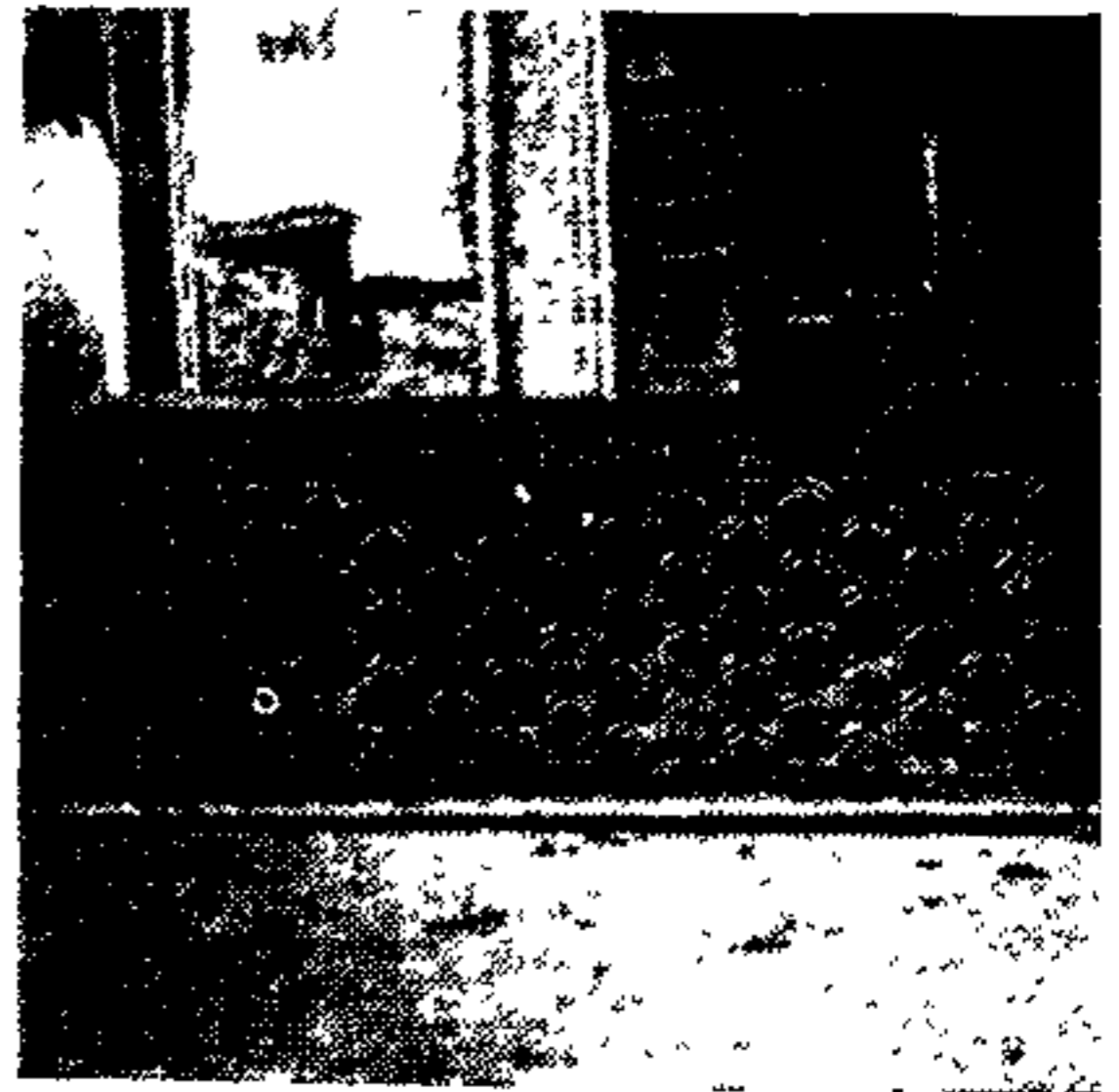
Largeur=2 mètres

Fig 207-Mihrab made by mosaïc of enameled tiles belonging to the mausoleum Khalifeh at Khafr, 15 th cent (actuelly in the Museum of Shiraz)

Width=2 metres.



ش ۲۰۵ - Fig 205



ش ۲۰۶ - Fig 206

ش ۲۰۵ و ۲۰۶ - صندوق منبت عتیقه بقعه
سید میر محمد از آثار نفیس هنری قرن
۱۴ هفتم هجری - مربوط به صفحه ۳۵۴

Figs 205/206 - Shiraz, le sarcophage du Sanctuaire de Seyed Mir Mohammad, 14 ème siècle. Dimensions :

1/75x0/60x0/70 m.

Figs 205/206 - The sarcophagus of the sanctuary of Seyed Mir Mohammad at Shiraz, 14 th cent. Dimensions : 1/75x0/60x0/70 m.



ش ۲۰۸ - مخارج قدیمی آب در دامنه جنوبی کوه هسان موسوم به فلاک ابی در ایح
 بردیک اصطهبانات - بعل از گراس سراورل اسس مندرج در محله عراق
 (IRAQ) جلد سوم شماره ۲ - مربوط به صفحات ۸۹ و ۳۶۵



ش ۲۰۹ - سد قدیمی برای مخزن آب در قسمت بالای سه حاوی آثار ناسایی ایح -
 بعل از گراس سراورل اسس مندرج در محله عراق - جلد سوم - شماره ۲ -
 مربوط به صفحات ۸۹ و ۹۰ و ۳۶۴

Figs 208/9 - Idj près de Estahbanat anciens reservoirs d'eau
 et barrage dans la montagne

Figs 208/9 - Ancient reservoirs of water and dam on the mountain,
 at Idj near Estahbanat

See Aurel Stein IRAQ Vol III N 2



س ۲۱۰ - بنا سگاه بس از اسلام از آثار ناسانی ایج که در دل کوه تراشیده اند
 و در دوران اسلام تبدیل به مسجد نمود. مجرایی در آن آورده اند - بقا از گراس
 سراورل اسس مندرج در مجله عراق - جلد سوم - شماره ۲ - مربوط به صفحات
 ۳۶۴ و ۹۰

Fig 210 - Idj, près de Estahbanat, monument religieux préislamique, taillé dans le roc H 3 mètres approx

Fig 210 - A religious preislamic monument carved in the roc at Idj near Estahbanat H=3 meters approx

Sir Aurel Stein IRAQ Vol III N 2

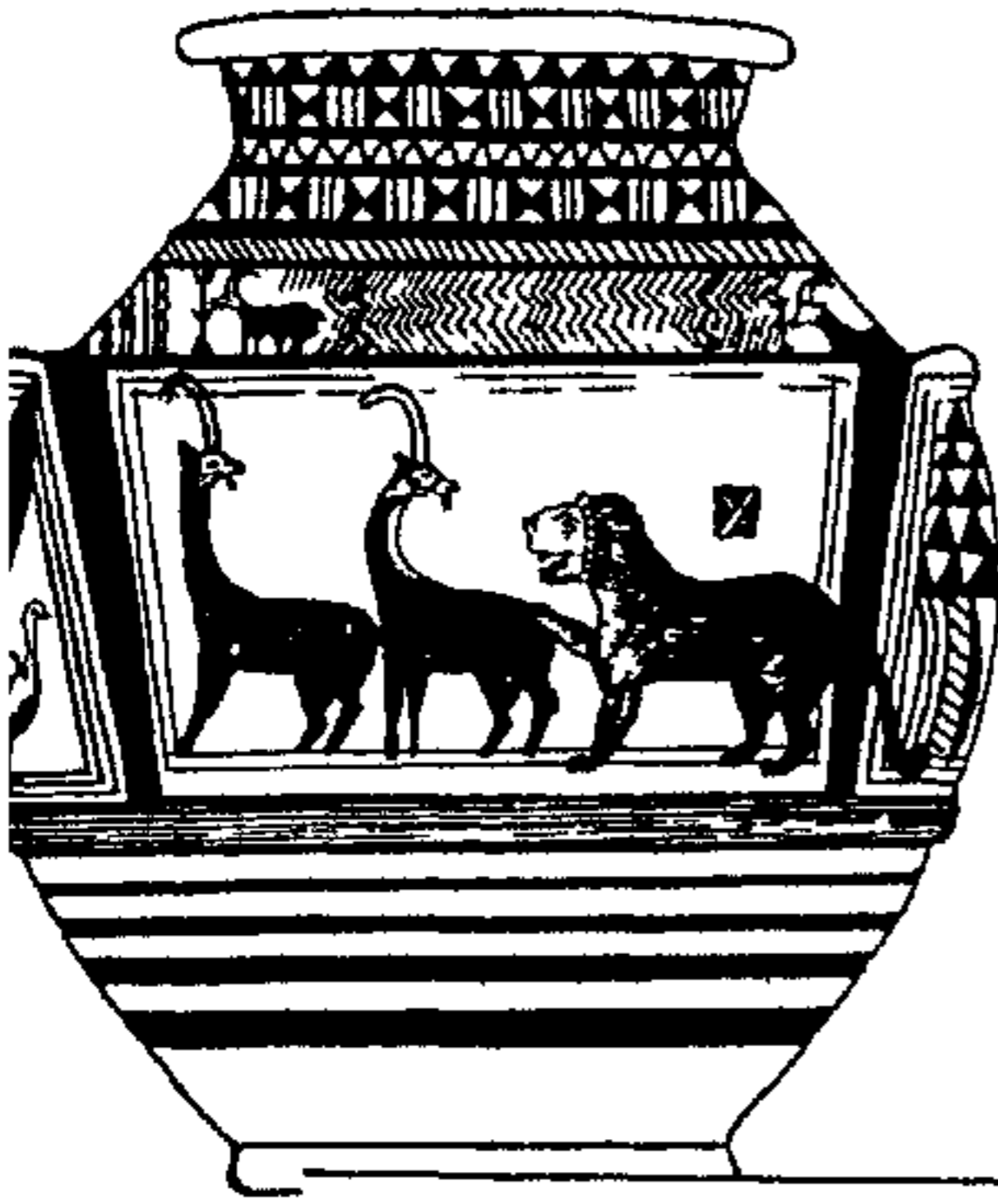


س ۲۱۱ - بناای بنای اسس باه ایج - راک اصطالاب - بقا از گراس
 سراورل اسس مندرج در مجله عراق - جلد سوم - شماره ۲ - مربوط به
 صفحه ۳۶۴

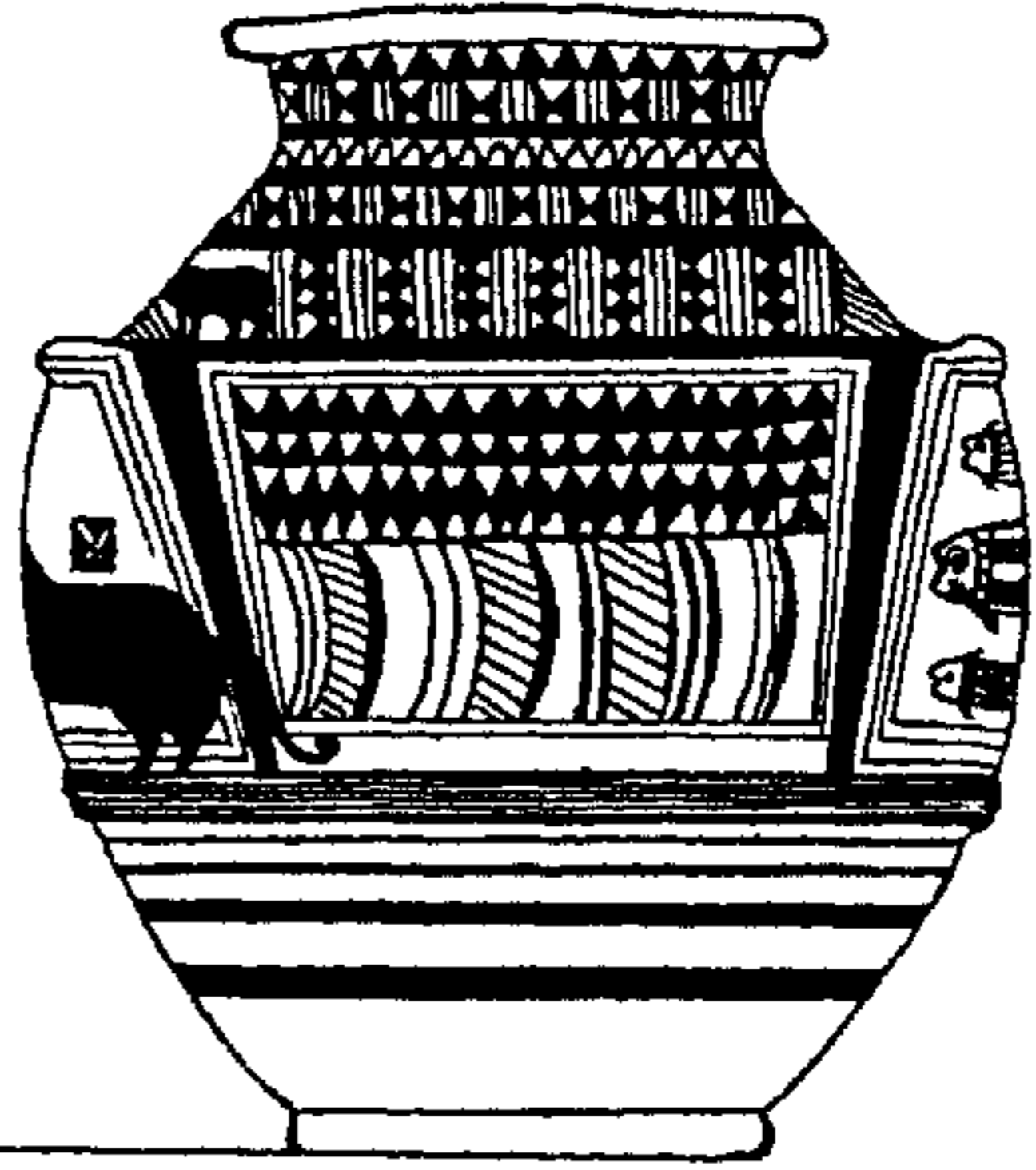
Fig 211 - Ruins ancientes de la fortresse nommée Qale - Dukhtar près de Estahbanat

Fig 211 - Ancient ruins of the fortress Qale - Dukhtar near Estahbanat

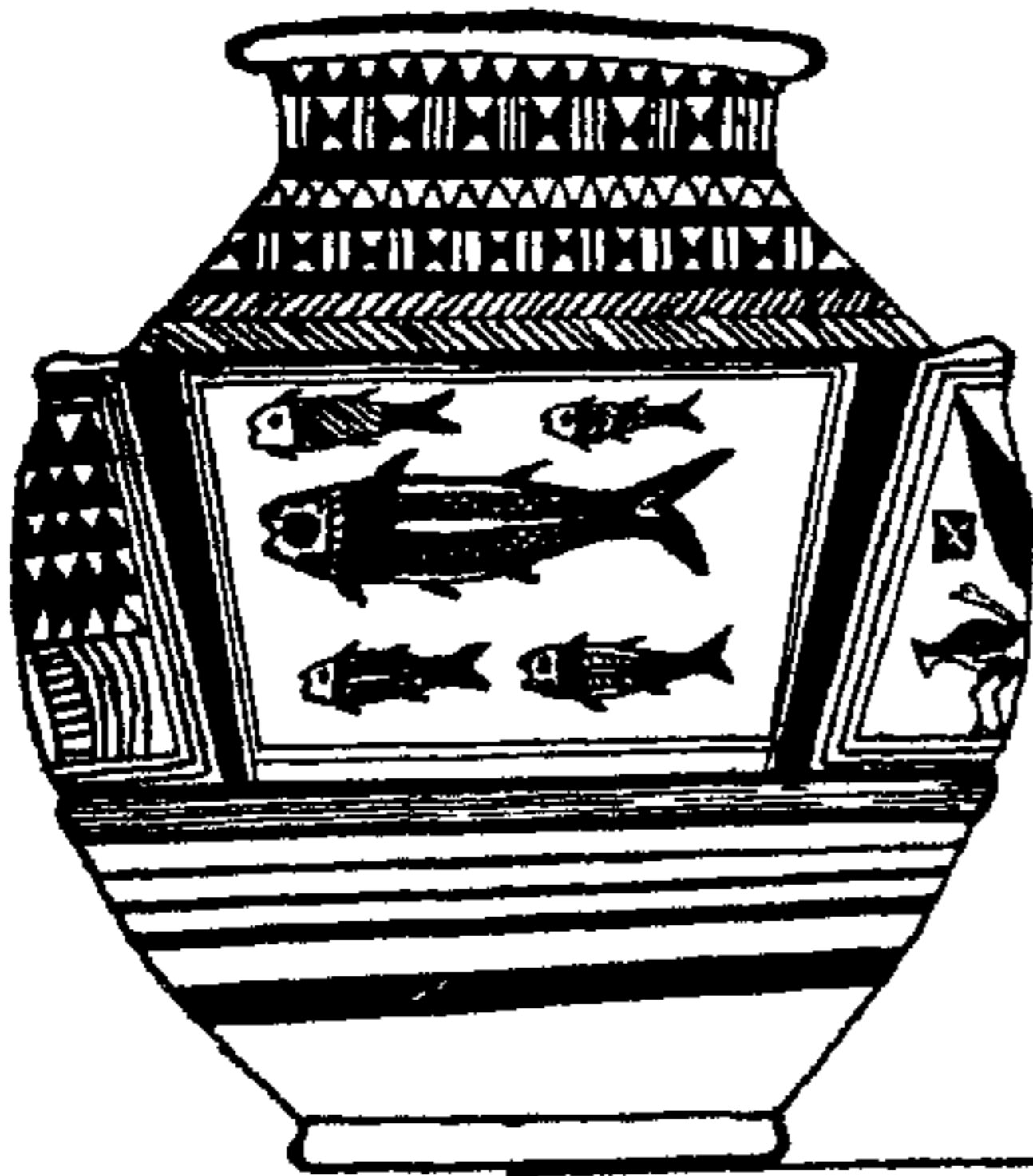
Sir Aurel Stein IRAQ Vol III N 2



ش ۲۱۳ - Fig 213



ش ۲۱۲ - Fig 212



ش ۲۱۵ - Fig 215



ش ۲۱۴ - Fig 214

توصیحات در بالای صفحه مقابل —

— توضیحات مربوط به صفحه مقابل

ش ۲۱۲ / ۲۱۵ - نقش ظرف سفالی ماقبل تاریخ مسکوف در کاوشهای منطقه گلیان در فسا که ضمیمه گزارش ۳۹/۱۱/۲۵-۹۲ آقای توللی بوده مورد استفاده قرار گرفته است - ارتفاع ظرف ۵۲ سانتیمتر، قطر دایره شکم ظرف ۵۰ سانتی متر - مربوط به صفحات ۳۶۴ و ۳۶۵

Figs 212/215 - Dessins du vase préhistorique peint en terre cuite, découvert dans les fouilles du Service Archéologique de Fars, à Galian près de Fä-sa. Hauteur=52 centimètres.

(Rapport de Mr. F. Tavallali)

Figs 212 215 - Dessins of a prehistoric painted clay vase found in the excavations of the Archaeological Service of Fars, at Galian, near Fa-sa. H=52 centimetres.

(Report of Mr. F. Tavallali)



ش ۲۱۶ - آفتابه و لگن مفرغی عهد هخامنشی مسکوف در سنگ مورد از بواب فسا - مربوط به صفحات ۳۶۵ و ۳۶۶

Fig 216 - Aiguère et cuvette en bronze de l' époque Achéménide, trouvées en 1955 à Tang-i-Morde, près de Fä-sa, (actuellement au Musée Archéologique de Tcheran).

Fig 216 - Water-pug and wash-hand basin made of bronze, from Achaemenian period, found in 1955 at Tangi Morde, near Fa-sa, actually in the Archaeological Museum of Tehran)

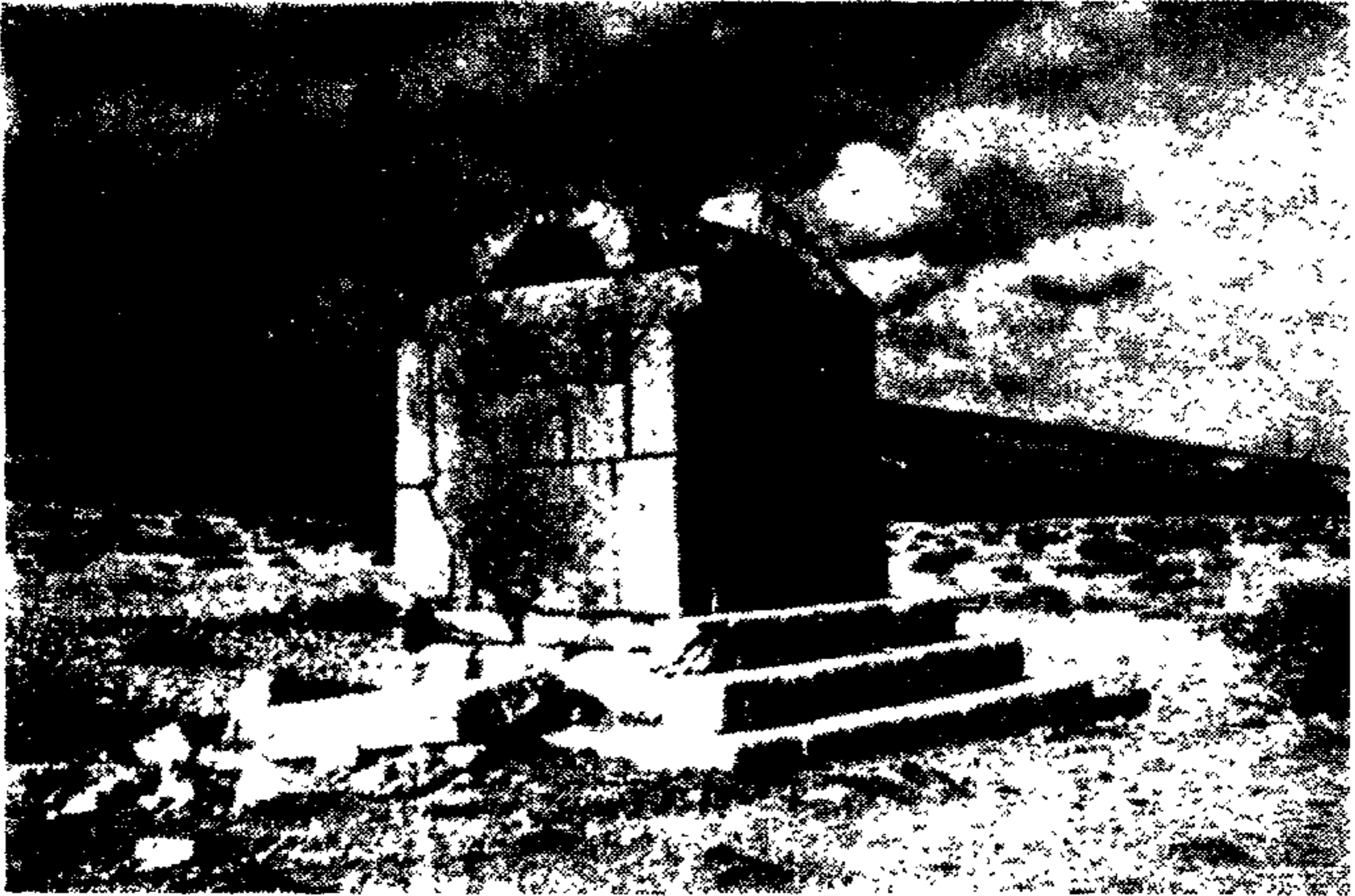


ش ۲۱۷ نمای موسوم به گور دختر از جانب مغرب - مجموع ارتفاع بنا ۴٫۵ متر
مربوط به صفحات ۱۱۸ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۸ و ۳۷۹ (عکس از پروفیسور واندنبرگ)

Fig 217 - Tombeau du début de l' époque Achéménide, appelé
Guré - Dokhtar, près de Sarmashhad, vue prise du côté ouest.
H=4/5 mètres- (Cliché prof. L. Vanden Berghe)

Fig 217 - A tomb of the beginning of the Achaemenian period,
called Gure-Dokhtar, near Sarmashhad, view taken from the western
side.

H=4/5 metres (photo by Prof. L. Vanden Berghe)



ش ۲۱۸ - بنای موسوم به گور دختر از جانب مشرق (توضیحات آن مطابق با
توضیحات ش ۲۱۷)

Fig 218 - Tombeau appelé Guré-Dokhtar, (voir fig 217) vue
prise du côté est. (Cliché, Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 218 - Tomb called Gure-Dokhtar. (see fig 217) view taken
from the eastern side (photo by Prof. L. Vanden Berghe)



ش ۲۱۹ - بنای موسوم به نقاره خانه از جانب شمال غربی - مجموع
ارتفاع بنا ۹/۶۰ متر ، مربوط به صفحه ۳۷۳ (عکس از پروفیسور واندنبرگ)

Fig 219 - Monument du feu, appelé Nagharé-Khaneh près de
Farrash-band.

H=9/60 mètres (Cliché, Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 219 - Fire temple, called Naghareh Khaneh, near Farrash-
band.

H=9/60 metres (photo by Prof. L. Vanden Berghe)

اطلاعات بیشتر درباره همین بنا در قسمت ضمیمه کتاب مذکور افتاده است



ش ۲۲۰ - آتشدان سنگی فناء باغ - مجموع بلندی آن ۱/۷۰ متر - مربوط
به صفحات ۳۷۴ و ۳۷۵ - عکس از دروفسور واندنبرگ

Fig 220 - Autel du feu, en pierre, époque Sassanide, à Ghanaté
Bagh, près d' Sarmashhad.

Hauteur total=1 70 m. (Cliché, Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 220 - Fire Altar of stone, Sassanian period, in Ghanate Bagh,
near Sarmashhad.

H 1 70 m. (photo by Prof. L. Vanden Berghe)

توضیحات مربوط به صفحهٔ مقابل ←

ش ۲۲۱ - نمای شرقی و جنوبی آتشکدهٔ بزرگ موسوم به کوشک در جلگهٔ بسپر
مربوط به صفحات ۳۸۰ و ۳۸۱ (ضمیمهٔ گزارش ۱۰۳ آقای فریدون توللی)

ش ۲۲۲ - جانب شمالی آتشکدهٔ بزرگ موسوم به کوشک در جلگهٔ بسپر مربوط به صفحات
۳۸۰ و ۳۸۱ (ضمیمهٔ گزارش ۱۰۳ آقای فریدون توللی)

ش ۲۲۳ - صلع شرقی آتشکدهٔ بزرگ موسوم به کوشک در جلگهٔ بسپر (طاق کوچک
پائین عکس وسیلهٔ ارتباط بین دو قسمت شرقی و غربی بنا را از زیر دهلیز طبقهٔ بالا تأمین
مینمود) - مربوط به صفحات ۳۸۰ و ۳۸۱ (ضمیمهٔ گزارش ۱۰۳ آقای فریدون توللی)

Figs 221 - 2 - 3 - Ruines du temple du feu de l' époque Sassanide,
appelé Koushgue, situées dans la plaine Bospar, près de Sarmashhad.

A partir du haut : Fig 221 - vue est et sud, Fig 222-côté nord, Fig
223 - voûte au côté est (Clichés du rapport de Mr. F. Tavallali)

Figs 221 - 2-3 - Ruins of a Sassanian fire temple, in the plain
of Bospar, near Sarmashhad.

From above : Fig 221 - eastern and southern side, Fig 222-northern
side, F. 223 - vault at the eastern side (photos from the report of Mr.
F. Tavallali)